

پیاده‌روهای ایران جزء مناطق جنگی اعلام شد

● **پوریا عالمی:** دیروز دربارہ مۆتوسوارہا نوشتیم کہ ماموہا ہوائشان را نذراند. مردم شاکي شدند کہ شاید ماموہا ہواي مۆتوسوارہا را نذراند اما مۆتوسوارہا ہم حواسشان بہ ما نیست. حالا ما چون یک حالي هستيم کہ نمی خواهيم حال کسی بد باشد، مجبوريم امروز حال مۆتوسوارہا را بگیريم کہ یک حالي بہ مردم داده باشیم.

منطقه جنگی: در سازمان ملل، بوسنی و هرزگوین، مصر، افغانستان و پیاده‌روهای ایران جزء مناطق جنگی محسوب می‌شوند. لازم به ذکر است در هرزگوین، مصر و افغانستان هنوز مین ضدفر زبر خاک مدفون است. اما در پیاده‌روهای ایران به‌خصوص تهران، موتورسواران به‌عنوان مین ضدفر متحرک در سطح پیاده‌رو مشغول به فعالیت مینی خود هستند.

امن‌ترین نقطه: در ایران امن‌ترین جا برای عابر پیاده وسط بزرگراه است. چون ماشین‌ها که دارند در لاین کُندرو سبقت می‌گیرند، موتورسوارا که در لاین تندرو هستند، روی پل عابرپیاده هم که دستفروش‌ها نشسته‌اند. برای همین امن‌ترین جا وسط بزرگراه به‌خصوص لاین‌های سبقت است چون هیچ ماشین و موتورسی از آنجا رد نمی‌شود و امن‌ان است.

سریع‌ترین راه ارتباطی: پست در ایران اگر بخواد
برسد یک هفته طول می‌کشه، اگر برسد البته، موبایل
که آنتن نمیده، آدم هم که خودش دست به‌کار
شود و باید بخواده بود چیزی را به مقصد برساند،
نشوند و باز در ترفیق می‌ماند. سریع‌ترین راه،
یک ربه از هر جا به هر جا می‌رسد، موتورسوار است
که جای تقدیر و تشکر و جایزه نوبل فیزیک به دلیل
شکستن سرعت نور و صدا دار.

دلالوگ: آقا شما تا تریلی ۱۸ چرخ وسط جاده
تصادف کردی یا سیاره‌ای، چیزی برخورد کرده یا
زمین که این‌طوری باندپیچی شدی و بستری شدی
بیمارستان؟

- هیچی داداش، وسط پیاده‌رو مونور زده بهم.
دیالوگ ۲: آقا مأمور این موتوریه زد بهم فرار کرد.
برو بگیرش.

- برو آقا. ما خودمان با موتوری رودرو شویم،
زنگ می‌زنیم لاک‌پشت‌های اینجا بیایند.

نتیجه: لاید دیروز مردم گفتند چرا به موتورسوارها
 حال دادی، امروز به مردم حال دادیم، فردا نوبت
 مأمورهای راهنمایی و رانندگی است لابد که توپ را از
 جلو پایشان برداریم و ببیندازیم یک جای دیگر.

روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۹۴ • ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۳۶ • ۲۹ آوریل ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۷۹ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۴۰ • اذان مغرب ۱۹:۵۹ • اذان صبح فردا ۴:۵۶ • طلوع آفتاب ۶:۲۶

fardashargh@gmail.com

روزنامہ فردا

امین منتظری



کارتون خواب



گفتار

درباره استقبال از ترجمه ماهی سیاه کوچولو

کتابی انقلابی در کشوری محافظه کار

و در خوانش آنان ماهی سیاه کوچولو مکانک همان است که بود، اما بسیاری از خوانندگان امروز که اغلب کودکانند و از این لذت می‌برند، ماهی سیاه کوچولو را بدون چنین زمینه‌هایی می‌خوانند. ماهی سیاه کوچولو اگر برخلاف بسیاری از کتاب‌های که به پیروی از آن منتشر شدند و ادبیات کودک ایران را یکی، دو دهه تحت‌تأثیر خود قرار دادند، هنوز کهنه نشده و برای خواندگانش حرفی دارد، بیشتر به این دلیل است که می‌تواند از حصر شرایط دهه ۴۰ و ۵۰ ایران عبور کند. به نظر من البته سهم تصاویرهای فرسید مثقالی در ماجای چنین ظرفی‌هایی برای کتاب، بیش از متن است. ماهی سیاه کوچولو بیرون از این حصر، یک داستان کودکانکامک‌ان غیرمحافظه‌کارانه است که درونمایه‌های آشنای ادبیات امروزه و همچون ماندن تنجاکوی، فرسهای پر مخاوض و هیجان‌انگیز و عبور از موانع برای رسیدن به هدف را با در مرکز قرار دادن کودک‌کنش و مستقل (ماهی سیاه کوچولو) دنبال می‌کند.

چنین درون ماهیهایی در ادبیات کودک و نوجوان جهان، آشناسنت و بسیاری از فانتزی‌های کودکانه را می‌سازد. در چنین نگاهي، ماهي سياه کوجولو آرام‌آرام خود را به‌دوره سینه‌گره‌های سیاسی بیرون کشیده و در فضای گسترده‌تر برای خود معناهایی دست‌وپا کرده است و اکنون می‌تواند برای هر خواننده‌ای با هر سلیقه و گرايشی جذابيت‌هایی داشته باشد، اما کماکان داستانی است که خواننده را عليه محافظه‌کاری تحریک می‌کند و نقطه تمایز با بسیاری از داستان‌ها کودکانه امروز دقیقاً در همین است.

کتاب را ندارد. ماهی سیاه کوچولو کیفیت یکپارچه‌ای است که متن و تصویر در کنار هم آن را می‌سازد و موفقیت‌های جهانی‌اش (مانند جایزه برتیسلاوا، بولونیای تأثیرش در دریافت جایزه هانس کریستیان آندرسن توسط مقالی) را مدیون همین سیاه‌های فرسیده مقالی است. تصویرگری‌های دوباره از این کتاب که اغلب در قیاس با کار مقالی بسیار ضعیف هستند، باعث شده‌اند این ترجمه‌ها هیچ‌گاه در محافل ادبیات کودک جدی گرفته نشوند. نخستین دلیلی که باعث شده ترجمه تازه مورد توجه قرار گیرد، تصویرهای فرسیده مقالی است که در ترجمه‌های حرفه‌ای، ویرایش یک روستا سابقه انگلیسی و کیفیت چاپ، آن را همراهی می‌کند. در کنار چنین بحث‌هایی، این پرسش نیز مهم است که این کتاب در دنیا انگلیسی‌زبان چگونه خوانده می‌شود؟ در کشور که سنت محافظه‌کارش را شیعه‌دار است، چگونه داستانی تحریک‌کننده و گاهی شرعی می‌تواند برای خود جایی پیدا کند؟

۵۰ و ایران داستانی انقلابی است که خوانندگان را به فعالیت‌های چریکی و انقلابی تشویق می‌کند. در این ستر اجتماعی ماهی سیاه کوچولو نمونه یک انقلابی است که علیه سنت‌های - به گفته کتاب- پوسیده جامعه‌اش برمی‌خیزد، اما آیا در روزگار ما نیز ماهی سیاه کوچولو چنین معنایی دارد؟ اگرچه می‌توان تردید کرد که برای بخشی از خردپرانان ماهی سیاه کوچولو در ایران کنونی، خوانند ماهی سیاه کوچولو با پیش‌زمینه‌های تاریخی همراه است



علی اصغر سیدآبادی

با اینکه پیش از این دست‌کم دو ترجمه از «ماهی سياه کوچولو» به زبان انگلیسی منتشر شده است، اما ترجمه تازه آریتا راڅی که انتشارات تاینی آول در لندن آن را منتشر کرده، مورد توجه قرار گرفته و در برخی از مطبوعات و سایت‌های انگلیسی و از همه مهم‌تر روزنامه گاردین بازتاب‌های مثبتی پیدا کرده است.

یکی از نویسندگان و منتقدان روزنامه کاربدین ترجمه - تازه این کتاب را در صدر فهرست ۱۰ کتاب برگزیده‌اش - ادبیات کودکان قرار داده است که در آن آثاری از برجسته‌ترین نویسندگان ادبیات‌های تصویری قرار دارند. چنین بازتاب‌هایی ممکن است با تفسیرها و تحلیل‌های متفاوتی روبه‌رو شود. ممکن است برخی آن را به بازبخت دوباره ادبیات چپ نسبت دهند. ممکن است برخی آن را به قوت داستان صمد پهرنگی نسبت دهند و برخی دیگر آن را به قوت تصویری‌های فرسید منقالبی. یا حتی شاید برخی در این بازتاب‌ها، رگه‌هایی از توجه به ادبیات کودک ایران را ببینند که چند سالی است به‌همت برخی از ناشران ایرانی و بیشتر از زاویه تصویر به زبان‌های متفاوت در کشورهای مختلف منتشر شده است. بیشتر ترجمه‌های که پیش از این در اروپا از شاهه سیاه کوچولو منتشر شده است، گذشته از کیفیت ترجمه - که نیازمند از زبان‌بای است - عنصر مهمی از

سلام به فردا

آرزویی برای رعنا

می‌کنند؟ دوستان مادر و برخی از فعالان زن این روزها در تدارکند که لحظه‌های سخت و تنهایی‌های رعنا و نازنین کمی آسان‌تر باشد آیا می‌توانند؟ مسئولان کجا هستند؟ وقتی قرار شد که در روز سوم مرگ او با گذاشتن گل و شیرینی دم بیمارستان لقمان ادای احترام کنند، نتوانستند دور هم جمع شوند. رعنا شش‌ساله از سه ساله پیش همراه مادرش حدوداً ۵۵ بار اتاق عود را تجربه کرده اما پدر می‌تواند امروزه راهی پیدا شود که صورت رعنا به شرایط عامی‌تر برگردد تا شاید نوازش بتواند در پی مادی‌ری تحمل کند. شاید مادر می‌توانیم تنها خواسته سمیه که سلامتی و زیبایی رعناست را برآورده کنیم...



● **هلیا آبادی:** گاهی یادمان می‌رود که نمی‌شود فاجعه را کنترل کرد مثل وقتی که سیمیه مهری از زخم‌های ناشی از اسید درگذشت سیمیه از روستایی، نزدیک بم آمده بود و دیروز به همان جا برگشت؛ جایی که پدرش و خانواده‌اش هنوز آنجا زندگی می‌کنند. پدر سیمیه در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق» گفته است: «چیزها را نگه می‌دارد. روزها رعای شش‌ساله که اسید صود را را هم از بین برده، مانند من در راهروهای بیمارستان می‌گذشت. بعد از این چطور می‌شود؟ آیا دولت و مشاوران امور زنان می‌توانند برای آسایش و رفاه‌های او راه چاره‌ای بیابند؟ یا او را فراموش می‌کنیم و فراموش

سامسونگ
SAMSUNG

۹ سال متوالی، مقام اول فروش تلویزیون در جهان



فقط با ضمانت
۰۲۱-۸۲۵۵
سرویس